

درست مثل زندگی شیلیایی ها زیر چکمه های پینوشه است

نیر حسون، خبرنگار اسراییلی

هاآرتز ۱۲ فوریه ۲۰۰۷

ترجمه مصطفی ناصر

قاضی شیلیایی، خوان گوسمان که از هفته گذشته از اسرائیل دیدن می کند می گوید: "زندگی فلسطینی ها تحت اشغال، یادآور زندگی مردم شیلی در دوره پینوشه است. آنجا نیز دگراندیشان را دشمن تلقی می کردند؛ یعنی آنها را به زندان می انداختند، شکنجه می کردند و می کشتند. آنجا نیز مردم نمی توانستند از جایی به جایی دیگر بروند، آزادی نداشتند و در برابر قانون از مساوات برخوردار نبودند." او اضافه می کند: "اینجا حتی وضع دشوارتر است و طولانی تر".

قاضی خوان گوسمان ۶۸ سال دارد و در دهه ۹۰ زمانی که مسئولیت پرونده تعقیب قانونی آگوستو پینوشه را به عهده گرفت به شهرت رسید. پینوشه در فاصله سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۹۰ دیکتاتور نظامی شیلی بود. گوسمان یک نبرد طولانی قانونی را علیه پینوشه به پیش برد. به رغم مصونیت قضایی دیکتاتور سابق، گوسمان موفق شد علیه او چندین پرونده اتهامی ترتیب دهد و او را به دادگاه بکشاند. اما محاکمه او به خاطر وضع سلامتی اش هرگز به انجام نرسید. او دو ماه قبل در سن ۹۱ سالگی درگذشت.

هفته گذشته گوسمان به دعوت کمیته اسرائیلی مخالف تخریب خانه ها (ICAH) و مرکز خبرسانی آلترناتیو (AIC) به اسرائیل آمد تا امکان پیگرد قضایی اسرائیلی هایی که مسئولیت تخریب خانه ها را به عهده دارند، جهت طرح در دادگاههای اروپایی مورد بررسی قرار دهد. تا کنون اقدامات قانونی صرفاً علیه مقامات نظامی آغاز شده است. کمیته می خواهد غیرنظامیان را نیز به دادگاه بکشاند.

این کمیته فهرستی در اختیار دارد حاوی نام سه تن از مسئولین: یکی از روابط عمومی، دیگری از شهرداری بیت المقدس و یکی هم از وزارت کشور، که دستور تخریب خانه ها را صادر کرده اند.

هم اکنون کمیته در جست و جوی آن است که در یکی از کشورهای اروپایی که دادگاه هایش صلاحیت بررسی نقض حقوق بشر در عرصه بین المللی را دارا هستند، علیه این مسئولین اعلام جرم کند. گوسمان کسی است که می تواند این تقاضا را امضاء کند و رسمیت بخشد. اگر چنین پرونده ای باز شود قاعداً دستور بازداشت علیه این سه تن صادر خواهد شد و آنها برای سفر به اروپا با مشکل مواجه خواهند گشت.

پینوشه خصم بزرگ گوسمان ۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر درگذشت. گوسمان می گوید: "به من احساس رضایت دست نداد ولی غمگین هم نشدم. شیلی فرصتی تاریخی را برای بازسازی خود از دست داد. پس از دوران طولانی دیکتاتوری ۱۷ ساله که نظام قضایی نابود شده بود، این فرصتی بود تا این کشور استقلال خود را ثابت کند و نیز به شیلی و تمام دنیا نشان بدهد که هیچکس فراتر از قانون نیست. حتی پینوشه نیز می تواند محاکمه شود".

گوسمان با رأی دیوان عالی شیلی موافق نیست که حکم داده بود پینوشه به لحاظ روانی نمی تواند در دادگاه حاضر شود. او می گوید پینوشه تا آخرین روز زندگی اش از سلامتی روانی برخوردار بود.

گوسمان ۳۶ سال قاضی بوده است. در ژانویه ۱۹۹۸ وقتی که او در دیوان عالی سانتیاگو مقام قضاوت را داشت، مأمور شد تا به اتهامات پینوشه و افسران دیگر دایر بر نقض حقوق بشر رسیدگی کند. گوسمان ۹۸ شکایت را علیه پینوشه دریافت کرد. او به گوشه و کنار شیلی مسافرت کرد و تحقیقات جامعی را در رابطه با جنایات پینوشه به اجرا گذاشت.

چند ماه بعد، پینوشه در رابطه با قتل چند شهروند اسپانیایی در زمان حکومتش در شیلی، به دستور یک قاضی اسپانیایی در لندن بازداشت شد. یک دادگاه بریتانیایی حکم داد که به علت وضع وخیم جسمانی پینوشه، استرداد او به

اسپانیا ممکن نیست و یک سال و پنج ماه بعد، وی به شیلی بازگشت. کمی بعد از آن گوسمان، اولین ادعای خود را علیه پینوشه به دلیل مسئولیتی که در رابطه با "جوخه های مرگ" یعنی واحدهای پلیس امنیتی که مسئولیت قتل ۷۵ تن از مخالفین رژیم را به عهده داشتند صادر کرد. گوسمان همچنین دستور داد که دیکتاتور سابق در منزلش تحت نظر قرار گیرد. این حکم توفانی سیاسی در شیلی برانگیخت: عناصر راستگرا و افسران نظامی جانب پینوشه را گرفتند و نیروهای چپگرا به خیابانها ریختند و به جشن و پایکوبی پرداختند.

ماریو سرناجر استاد علوم سیاسی دانشگاه عبری (اسرائیل) می گوید: "تشکیل دادگاه برای پینوشه مسأله ای ساده نبود. به نظر برخی از شیلیایی ها، پینوشه کسی بوده است که شیلی را از چنگ کمونیستها نجات داده بود". همچنین باید اضافه کرد که پینوشه با انتصاب خود به عنوان سناتور مادام العمر و نیز با وضع کردن قانون "عفو عمومی" برای خود مصونیت قضایی دست و پا کرد. این قانون همه کسانی را که تا قبل از سال ۱۹۷۸ مرتکب جنایت شده اند مشمول عفو نمود، اما گوسمان توانست با زیرکی راهی مناسب برای طفره رفتن از این قانون پیدا کند.

گوسمان می گوید: "من به دادگاه عالی شیلی ثابت کردم که اقدام به مفقود الاثر کردن مخالفان مشمول این قانون نمی شود (سرنوشت بیش از ۱۰۰۰ نفر از مخالفان رژیم تا امروز ناروشن باقی مانده است - نیر حسون). برای مثال پرونده آنهایی که ربوده شدند، موضوع جنایاتی است که تا سال ۱۹۷۸ نه تنها پایان نگرفته بلکه بعداً نیز ادامه داشته است و تا همین الآن هم ما به دنبال روشن کردن این مسأله ایم که بدانیم بر سر آنها چه آمده است. حتی اگر هم قانون عفو عمومی شامل بخش هایی از جنایات می شود اما همه آن ها را در بر نمی گیرد. دادگاه عالی شیلی استدلال مرا پذیرفت".

در سال ۲۰۰۱ دادگاه عالی شیلی حکم داد تا روند قضایی علیه پینوشه به دلیل عدم توانایی جسمی و روانی او متوقف شود. اما دو سال بعد گوسمان به مصاحبه ای دسترسی پیدا کرد که ژنرال پینوشه با شبکه تلویزیونی کوپایی های مقیم ایالات متحده به مناسبت سی امین سالگرد کودتای نظامی خود انجام داده بود. گوسمان می گوید: "پینوشه در رابطه با ۱۵۸ موضوع مختلف صحبت کرد و به نظر می رسید که از سلامت جسمانی و روانی مناسبی برخوردار است".

در پی این مصاحبه که نشان داد حال دیکتاتور به حد کافی خوب است تا در دادگاه حاضر شود، گوسمان تحقیقات قضایی را از سر گرفت. دادگاه عالی شیلی یک بار دیگر مصونیت قضایی پینوشه را لغو کرد و گوسمان این بار به خاطر اتهامات مربوط به عملیات کندر (Condor) پینوشه را تحت تعقیب قضایی قرار داد، عملیات کندر عملیات مشترک رژیم های نظامی آمریکای جنوبی برای قتل عام مخالفان چپگرا در دهه ۱۹۷۰ بود که طی آن صدها تن به قتل رسیدند [از جمله رک، به این مقاله: <http://www.peykarandesh.org/jonbeshIndex.html>]

گوسمان به خانه پینوشه رفت و از او بازجویی به عمل آورد. گوسمان نقل می کند: "پینوشه قادر بود که تفاوت بین خوب و بد را به خوبی بیان کند و همچنین او آگاهانه تشخیص می داد که پاسخ دادن به چه سئوالاتی به نفع او است و کدام به ضرر او. این بار بر خلاف بار اول، پینوشه زیاد به من روی خوش نشان نداد. او می دانست که من او را تحت فشار گذاشته ام. با وجود این او به من بی احترامی و پرخاش هم نکرد".

شش ماه بعد گوسمان موفق شد در رابطه با عملیات موسوم به کلمبو و ناپدید شدن بیش از ۱۱۹ کمونیست مخالف دولت، که اجساد آنها هرگز پیدا نشد، پرونده دیگری علیه او تشکیل دهد. اما این روند قضایی قانونی و تحقیقات مشابه دیگر تا زمان مرگ ژنرال آگوستو پینوشه هرگز به محاکمه وی منجر نشد.

با این حال گوسمان می گوید: "این تحقیقات قضایی لطف بزرگی در حق این کشور بود. این مسأله به روشنی نشان داد که در دوران دیکتاتوری پینوشه بر این کشور چه رفته است. بسیاری از شیلیایی ها وقایع مربوط به این دوران را باور نمی کردند، و این مسأله را ساخته و پرداخته کمونیستها می پنداشتند. ولی وقتی که این تحقیقات شروع شد، آنها هم شروع کردند به باورکردن. به یمن این تحقیقات، میهن من، هرگز برای بار دیگر به دامن یک دیکتاتوری سقوط نخواهد کرد. ما به اسپانیایی می گوییم: هرگز چنین مبادا!

پروفسور سرناجر با این نکته موافق است که «تأثیر گوسمان به این دلیل بود که او تلاش کرد نه از موضع یک خبرنگار یا مخالف سیاسی، بلکه با اتکاء به قوانین دمکراتیک پرونده پینوشه را دنبال کند. وی با پرتو افکندن به دوره سیاه حکومت پینوشه در زدودن روایت های نادرست از ماجراهای این دوره نقش داشت. او بر دردناکترین اوضاع، بر زخمهای باز، بر حقایقی که در پرده مانده بود دست گذاشت و تغییراتی را در جامعه باعث شد هرچند حکمی علیه پینوشه صادر

نشده باشد».

گوسمان شکی ندارد که زمامداران اسرائیلی نیز همانند افسران و مأموران پینوشه، بهای جنایت‌هایی را کهوی معتقد است آنها علیه فلسطینی‌ها مرتکب شده‌اند خواهند پرداخت. او می‌گوید: "با عبرت گرفتن از تاریخ به نظر می‌رسد عاقبت آنهایی که به ارتکاب جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر دست زده‌اند، قرار گرفتن تحت محاکمه است، خواه این دادگاه بین‌المللی باشد خواه کشوری. دیر یا زود، نقض حقوق بشر در دادگاه طرح خواهد شد".

قاضی گوسمان در جریان این سفر با دو خانواده فلسطینی که خانه‌هایشان در عیساویه و آتور تخریب شده بود ملاقات کرد. یکی از این دو خانواده دو هفته بود که در چادری نزدیک ویرانه‌ها به سر می‌برد.

گوسمان می‌گوید: "به چشم خود دیدم که آنها گریه می‌کردند. تخریب هر خانه‌ای، ویران کردن شأن و خصوصیت انسان است، این از نظر قوانین بین‌المللی ممنوع است. من همچنین دیدم که چگونه در سرزمین‌های اشغالی دیوار می‌کشند. من این را نمی‌فهمم و اعتقاد ندارم که این قضیه به امنیت اسرائیل ارتباط داشته باشد. این غیر منطقی است. من مطمئن‌ام که راه‌های دیگری برای حفاظت اسرائیلی‌ها وجود دارد، و در همان حال، فلسطینی‌ها هم باید حفاظت شوند".

من مردم یهود را به خاطر رنجی که تحمل کرده‌اند و پیشرفت آنها را در عرصه‌های دانش، موسیقی و ادبیات تحسین می‌کنم. من اسرائیلی‌ها را درک می‌کنم، اما قلبم با مردمی است که تحت اشغال زندگی می‌کنند و حق آنها ضایع شده است. اسرائیل احساس می‌کند که قربانی ترور شده است، اما وقتی شما اینجا باشید، تصدیق می‌کنید که آنچه فلسطینی‌ها انجام می‌دهند مقاومت علیه اشغال است. این فلسطینی‌ها هستند که قربانی‌اند، استثمار می‌شوند، خانه‌هایشان تخریب می‌شود، با احکام اداری توقیف می‌شوند، به اموال آنها خسارت وارد می‌شود، آنها برای جا به جایی به مجوز رسمی نیاز دارند و شهرهای آنها به زندان‌های بزرگ تبدیل شده است. هیچ شکی نیست که قربانیان اصلی فلسطینیان هستند".

گوسمان قولی نمی‌دهد که علیه کسانی که مسئولیت تخریب خانه‌ها را به عهده دارند، ادعانامه صادر کند. او می‌گوید: "من می‌خواهم در مورد این پرونده تحقیق و مشورت کنم، می‌خواهم ببینم که این قضیه چگونه پیش خواهد رفت ولی شکی ندارم که با ارجاع به حقوق بین‌المللی، غیرنظامیانی که به طور مستقیم مسئولیت نقض حقوق بشر را به عهده دارند و نیز سربازان، می‌توانند مشمول اعلام جرم شوند". مائیر مارگالیت هماهنگ‌کننده محلی ICAHD که از گوسمان برای سفر به اسرائیل دعوت به عمل آورده، می‌گوید: «گوسمان از نظام دادگستری اسرائیل قطع امید کرده است: ما احساس می‌کنیم که احتمال انجام تحقیقات از جانب اسرائیل وجود ندارد و راه چاره‌ای در داخل اسرائیل پیدا نمی‌شود، بلکه همه چیز روز به روز بدتر می‌شود. هر ساله تقریباً ۴۰۰ خانه را در بیت المقدس شرقی و سرزمین‌های اشغالی ویران می‌کنند».

گوسمان می‌گوید: "من در چارچوب یک مأموریت صلح به اینجا آمده‌ام. من می‌خواهم بحثی را دامن بزنم حول این قضیه که آنچه اینجا رخ می‌دهد قابل توجیه نیست. ما بر اساس تجارب مان در شیلی به این آگاهی دست یافته‌ایم که اقداماتی از نوع پیگیری قضائی، می‌تواند از ادامه نقض حقوق بشر جلوگیری کند. من از دولت اسرائیل درخواست می‌کنم، که به خاطر آبروی خودش و آبروی همه بشریت از ویران کردن خانه‌ها دست بردارد".

<http://www.haaretz.com/hasen/spages/824148.html>